

تأثیر مهاجرت علمای جبل عامل بر فرهنگ و اندیشه دینی ایرانیان

خانم عصمت رضانی مشکانی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی

چکیده: بررسی علل و عوامل موثر بر مهاجرت علمای جبل عامل به ایران از موضوعات بحث برانگیز در تاریخ فقه شیعه و روند تحولات حوزه‌های علمیه و در نتیجه اندیشه دینی در جامعه ایران می‌باشد. این تحقیق در پی پاسخ به این پرسش است که چه عواملی بر روند مهاجرت علمای جبل عامل موثر بود، تنوع فکری مهاجرین را بررسی نموده، تاثیر الگوهای فکری- رفتاری آنها را بر جامعه شیعی ایران بررسی می‌کند.

مقدمه

دوران صفویه شاهد مهاجرت علمای جبل عامل به ایران بود. عوامل متعددی از جمله عوامل داخلی و خارجی در وقوع این پدیده دخیل بود. با توجه به شرایط فکری علمای مهاجر به ایران، این سوال پیش روی قرار می‌گیرد که آیا علمای مهاجر در یک گروه فکری قرار داشتند و یا مهاجرین به ایران در یک طیف گسترده فکری قرار می‌گرفتند. روند مهاجرت علمای جبل عامل به ایران در عهد صفوی از چند زاویه تأمل برانگیز است.

- پیش زمینه‌های مهاجرت ایشان عوامل داخلی بوده است یا خارجی؟

- جامعه علمای شیعه داخل کشور در عهد صفوی چه برخوردی با علمای مهاجر داشتند؟

- آیا علمای مهاجر از جبل عامل در یک طیف فکری بودند یا دیدگاه‌های متفاوت داشتند؟

- علمای مهاجر در روند فکری حوزه‌های علمی شیعه داخل ایران چه تأثیری داشتند؟

- الگوهای فکری- رفتاری علمای مهاجر تا چه اندازه بر جامعه شیعی ایران موثر بود؟

- علمای مهاجر از جبل عامل در سیاست مذهب و اقتصاد عهد صفوی چه دگرگونی‌هایی را ایجاد کردند؟

قبل از پرداختن به بیان مطالب مذکور لازم است که مختصراً موقعیت جغرافیایی جبل عامل در زمینه تاریخی شیعیان آن ناحیه و همچنین حوزه‌های علمیه در سده‌های مختلف که در مهاجرت علمای جبل عامل تأثیر بسزایی داشتند مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

موقعیت جغرافیایی منطقه جبل عامل یا جنوب لبنان

منطقه جبل عامل به عنوان بخش جنوبی سرزمین لبنان از ناحیه جنوب در همسایگی سوریه و از ناحیه غرب در کنار دریای مدیترانه قرار دارد. در ابتدا این منطقه را جبل عامله می‌گفتند که بعداً بر اثر کثرت استعمال به جبل عامل شهرت یافت. هر یک از طوایف لبنانی تا حدودی در منطقه خاصی از این کشور سکونت گزیده‌اند به طوری که در حال حاضر شیعیان به طور عمده در منطقه جبل عامل که ناحیه کوهستانی در جنوب لبنان است و شهرهای صیدا، نبطیه، مرجعیون، بنت جبیل و روستاهای حومه را شامل می‌شود و نیز شهر بعلبک و هرمل واقع در دره بقاع و اطراف بیروت موسوم به فلاحیه سکونت دارند.^۱

زمینه تاریخی شیعیان لبنان

از قرن نهم میلادی/ سوم هجری به بعد جوامع شیعه بین رود علوی در شمال و ناحیه جبلیه که منطقه‌ای است معروف به جبل عامل در جنوب سکونت داشتند. شیعیان دیگری نیز در بخش شمالی دره بقاع و همچنین در طرابلس

و کسروان واقع در لبنان شمالی سکونت اختیار کردند اهالی کسروان صد درصد شیعه بوده اند. شهر طرابلس یکی از پایگاههای مهم شیعه و حکومتهای اسلامی خصوصاً در عصر فاطمیان و عماریان که دولت اخیر از دول شیعه امامیه در شام است به شمار آمده است.^۲

در مورد سلسله مقتدر عماریان لازم است اشاره شود که اصل و نسب ایشان از قبیله کتامه در مغرب است، آنها در زمان رونق مذهب امامیه در مغرب به تشیع روی آوردند و از فرماندهان نظامی دولت فاطمی در مصر و شام شدند. بنو عمار در تهاجم صلیبیها به شهر طرابلس سالهای زیادی مقاومت کردند و بالاخره در اوایل قرن ششم هجری این شهر سقوط کرد.

از تاریخ شیعه لبنان یا به عبارت بهتر شیعه جبل عامل استمرار يك سنت نیرومند علمی در همین نواحی دور افتاده و فقیر روستایی بدون حمایت حکام یا شهرهای بزرگ مشاهده می شود.

دلیل این مطلب را در چند چیز می توان دید. قوت اعتقاد در ایمانی که همواره شیعیان علی تا حدودی بواسطه سلاله او و نیز وجود شهرهای مقدس شیعی عراق بدان ممتاز بوده اند دورادور این پدیده موثر است علاوه بر این دور افتادگی نسبی جبل عامل از مراکز قدرت، سطح معیشت نازل و بالاخره فقر منابع اقتصادی آن که همگی سبب می شدند حکام شهرهای بزرگ تا زمانیکه مردم این ناحیه منشأ تهدید سیاسی نبودند خود را برای تصرف یا کنترل مستقیم آن به در دسر نیندازد.^۲

دور افتادگی جغرافیایی این ناحیه و حمایتهای خانوادههای برجسته شیعی آن نه تنها سبب تداوم و استمرار يك سنت شیعی در این ناحیه گردید که هنوز هم پابرجاست بلکه باعث جلب و جذب شیعیان امامیه از سایر بخشهای سوریه به این ناحیه نیز شد.

دلیل دیگر تداوم علوم و تعلیمات شیعی در جبل عامل را شاید بتوان در فقدان فاصله میان سنتهای علمی سنی و شیعه پیدا کرد بدین معنا که امکان استفاده و علم آموزی علمای سنی و شیعه از همدیگر فراهم بوده است.^۲

حوزههای علمیه شیعه در آستانه سده دهم هجری قمری

از سده سوم تا قرن ششم قمری ابتدا ری و قم و سپس بغداد و نجف اشرف جایگاه حوزههای علمیه، مرکز نشر و اشاعه معارف شیعی بودند. اما پس از آنکه ترکان سلجوقی بر ایران و عراق تسلط یافتند با تعصب خشک و خشونت، مدعی دفاع از مذهب اهل سنت و خلافت عباسیان گردیدند.

گروهی از شیعیان برای رهایی از فشار و تعدی سلاجقه متعصب و بی فرهنگ، به سرزمینهای باتلاقی بین النهرین حرکت کردند تا در پناه نیزارهای آن منطقه سکني گزیدند. این گروه تحت زعامت افرادی از قبیله بنی مزید شهر (حله) را بر ساحل فرات میان بغداد و کوفه بنا نهادند و حیات سیاسی اجتماعی دینی خود را پی گرفتند. در سایه آرامش و امنیتی که در حله حاصل شد ابن ادریس حلی فقیه و محقق بزرگ شیعی مذهب حوزه علمیه آنجا را بنا نهادند و اداره آن را به دست خود گرفت و پس از او شخصیتهای برجسته ای همچون محقق حلی زعامت و رهبری حوزه علمیه را بر عهده گرفتند.

حوزه علمیه مرکزیت یافت و طلاب برای تحصیل معارف دینی در سطح عالی از سراسر جهان اسلام راهی آنجا شدند. شکوفایی رونق و دوران طلایی حوزه علمیه حله تا اوایل سده دهم هجری بطول انجامید و اکثریت فقهای نامور شیعه در این فاصله زمانی دانش آموخته و تعلیم یافته این حوزه می باشند البته حوزه علمیه نجف اشرف در این مدت به کلی تعطیل نشد اما فروغ آن بسیار کم بود. در لبنان خصوصاً منطقه کوهستانی جبل عامل نیز مدارس و حوزههای علمی

کوچک و بزرگی وجود داشت که در زمان شهید اول رونق و بالندگی بیشتری یافته بود و در ابتدای قرن دهم هجری حوزه علمیه و کربک نوح با زعامت شیخ علی بن هلال جزایری (شاگرد ابن فهد حلی) شکوفایی خاصی پیدا کرد و شاگردانی چون محقق کربکی ابن ابی جمهور احسائی و عزالدین عاملی در محضر وی به تحصیل پرداختند.

حوزه علمیه نجف نیز در اواخر قرن نهم هجری بواسطه سکونت شیخ شرف الدین حسن بن عبدالکریم فتال در آن شهر بر فعالیت خود افزود. در ایران از سده نهم هجری بویژه نیمه دوم آن سده، علما و فقهای شیعه حضوری چشمگیری فعال داشتند و در شهرهای شیعه نشین مانند کاشان و مشهد و قم حوزه‌ها و مدارس علمی شیعه احیاء و یا دایر گردید. رضی الدین عبدالملک فتحانی از خاندان فتحانی قم و شاگرد شیخ جمال الدین مقداد حلی و احمد بن فهد حلی با مهاجرت به کاشان و تأسیس حوزه علمیه آن شهر گام بزرگی را در نشر و اشاعه معارف شیعی در ایران برداشت و پس از حوزه علمیه کاشان ملجأ بسیاری از علما و فقهای شیعه قرار گرفت. اما صحیح‌تر آن است که حوزه علمیه آنچنانی در قم و مشهد و کاشان وجود نداشته است.

در خراسان نیز تعدادی از علمای شیعه مذهب به تدریس وحل و فصل امور شرعی مشغول بودند. مؤلف روضة الصفا از سید غیاث الدین افضل نام می‌برد که به مزید علم و فقاقت از سادات مشهد مقدس ممتاز و مستثنی بود. سید محسن بن محمد رضوی قمی، دیگر عالم شیعی مذهب مشهد است که همکاری و حمایت او از استادش ابن ابی جمهور احسائی قدم مؤثری در تقویت و نشر مبانی فکری و اعتقادی مکتب تشیع در ایران برداشت. برخی از نقبای سادات خراسان نیز در زمره معلمان و مدرسان بودند. در شیراز فقیه و واعظ شیعی مذهب می‌رزا حبیب اله شریفی، بانی مدرسه حبیبیه، سالها به نشر علوم و مواظب اقدام می‌کرد و در سال ۹۰۷ هجری قمری در مسجد جامع شیراز بعد از ادای خطبه، نام ائمه اثنی عشر را بگفت و از دنیا رفت.

حوزه‌های علمیه و روحانیت شیعه در سده دهم هجری

رسمیت مذهب تشیع اثنی عشری و اتحاد سیاسی ایران بر مبنای یکپارچگی مذهب شیعه امامیه اقتضاء می‌کرد تا جنبشی نیز در حوزه فرهنگ تشیع صورت گیرد و حرکت تألیف و ترجمه را تسریع و تقویت بخشد. تا زیر بنای اعتقادی و فکری و فقهی تشیع را در چارچوب مکتبی با پشتوانه کلامی و فقهی قوی در ایران عرضه کند و آموزه‌های عقیدتی مذهب جدید برای تثبیت و استحکام نومذهبان، تبیین و تقسیم گردد و قواعد و قوانین فقهی جهت راهنمای عمل به احکام شرعی ارائه شود.

از آنجا که بیشتر متون و منابع مذهبی شیعه به زبان عربی بود و نمایندگان فرهنگ شیعی قبل از صفویه عمدتاً عرب بودند و یا آثار خود را به زبان عربی به نگارش در می‌آوردند در آغاز تشکیل حکومت صفوی ترجمه و شرح کتب دینی در اولویت اساسی قرار داشت. بنابراین ترجمه و شرح و تفسیر متون در آثار مزبور عرصه آزمونی برای علمای شیعی مذهب بود تا خلاقیت و استعداد خود را در تبیین معرفت دینی از نوع شیعی آن در ایران بروز دهند.

گرایش فکری و علمی حوزه‌های تعلیمی ایران در آستانه خیزش نهضت صفوی به طور غالب حکمت(فلسفه) و عرفان بود و هر چند کورسویی از تفقه نیز از جانب برخی حکمای فقیه و عارف مشرب صورت می‌گرفت اما چون ضرورت علمی آن احساس نمی‌شد نمود چندانی نداشت اما اقوی آن است که گرایش به تصوف و عرفان و فلسفه در کل جهان اسلام بوده است نه فقط در شیعه.

از ابتدای تأسیس حکومت صفوی عده‌ای از علمای ایرانی با وقوف به ضرورت‌های مذکور به تکاپو افتادند تا مبانی و معارف مکتب تشیع یعنی متون دینی تاریخ زندگانی و سیره و سنت حضرت رسول(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه اطهار(علیه

السلام) و استنباطهای فقهی و کلامی و تفسیری علما و متفکران شیعه را برای هموطنان شیعه مذهب خود تشریح و تفهیم سازند. این گروه معدود از علمای ایرانی که در آغاز قرن دهم هجری به علوم شرعی مثل حدیث و فقه و تفسیر روی آوردند و بعضاً ادعای فقاقت هم می‌کردند اغلب حکمای تعلیم یافته مکتب فلسفی ایران بودند که تفقه این عده بصورت منفرد و پراکنده و بدون آنکه فعالیت آنان شکل منسجم و منظمی داشته باشد بنا به ذوق و علاقه خود کوشیدند تا در مجموعه معارف شیعی غور نمایند و یافته‌های خود را در قالب تألیف و ترجمه ارائه دهند.

برجسته ترین نمایندگان این گروه عبارتند از:

حسین بن شرف الدین عبدالحق معروف به الهی اردبیلی

جمال الدین بن عطاء ا... دشتکی شیرازی،

می‌رشاه طاهرین رضی حسینی کاشانی معروف به شاه طاهر.

حوزه علمیه جبل عامل و مهاجرت فقهای آن به ایران

بعد از حوزه علمیه عراق، حوزه علمیه جبل عامل که منطقه کوهستانی و شیعه نشین در لبنان است، اهمیت خاص خود را دارد. حوزه علمی دینی جبل عامل بر خلاف حوزه‌های علمی عراق و ایران که از حمایت‌های سیاسی حکومت‌ها و پشتوانه مادی شیعیان متمکن برخوردار بودند نه حامی سیاسی داشت و نه قدرت مالی و بر عکس طلاب و مدرسین آنجا در فشار حکومت‌های سنی مذهب و در فقر و تنگدستی روزگار می‌گذراندند.

وجود دو فقیه شهید میان علمای شیعه که هر دو از این مرز و بومند، دلیل روشنی بر تحت فشار بودن شیعیان جبل عامل است. با وجود چنین فشارها و فقر و تنگدستی عالمان صاحب نامی که در فقه پرآوازه بوده و نظراتشان مرجع مسائل فقهی است، در جهان تشیع از این منطقه سخت درخشیده‌اند و کتاب‌های پر ارجی به خصوص در فقه به مجموعه کتب شیعه افزوده‌اند.

حوزه علمیه جبل عامل حوزه ای خود جوش و متکی بر ایمان و باور فرد فرد افراد و از لحاظ مالی اگر بتوان برای آن اصلاً وضع مالی تصور کرد متکی به خود عالمان و اداره کنندگان آن بوده است.

شاید علت آنکه پس از تشکیل حکومت صفویه، بیشتر علمای جبل عامل به ایران مهاجرت کرده و عالمان عراق بدین امر تن در ندادند وجود همین تنگدستی و فشار حکومت عثمانی در منطقه باشد.^۵

تاریخ نشان نمی‌دهد که از دیگر سرزمین‌های شیعه نشین افرادی به طور منظم برای کسب علوم دینی به جبل عامل مهاجرت کرده باشند. چه اگرچنین مهاجرتی می‌بود وضع سیاسی و اقتصادی آن منطقه تغییر می‌کرد. اما متقابلاً علما و فقهای بسیاری را می‌بینیم که از آن منطقه به عراق و ایران و حتی حجاز و ترکیه مهاجرت کرده و بکار تعلیم و تربیت پرداخته اند و بدون شک عامل این مهاجرت‌ها به طور عمده وضع نابسامان اقتصادی بوده گر چه در این بحث حوزه علمیه جبل عامل بعنوان یکی از حوزه‌های علمی شیعه مطرح شد ولی در جای دیگر کمتر مشاهده می‌شود که این حوزه را در ردیف حوزه‌های علمی دینی شیعه بحساب بیاورند اگرچه از علمای آن همیشه بعنوان علمای طراز اول شیعه و صاحب نظر یاد شده است.

تأثیر مهاجرت علمای جبل عامل در عرصه فرهنگ و سیاست جامعه ایرانی

همانطور که تحولات سیاسی و مذهبی ایران در آغاز سده دهم هجری باعث شد تا عده‌ای از علمای ایرانی جلای وطن کنند این تحولات زمینه را برای مهاجرت گروهی از معرفت‌جویان عرب خصوصاً از منطقه جبل عامل لبنان به ایران فراهم ساخت که خود منشأ تأثیرات بسزایی در عرصه فرهنگ و سیاست جامعه ایرانی گردید.

رسمیت یافتن مذهب تشیع در کشور بزرگی همچون ایران و حمایت سیاسی دولت نیرومندی از آن بعلاوه تهاجم سنگین ترکان عثمانی به منطقه شرق دریای مدیترانه و تهدید آزادی و اعتقادات دینی سکنه شیعه مذهب منطقه جبل عامل لبنان و به خطر افتادن امنیت جانی رهبران مذهبی و علمای آنها ایران را کانون توجه و مطمع علمای شیعه مذهب قرار داد.

صفویان نیز ورود این می‌همانان را به فال نیک گرفتند و فرصت را غنیمت شمردند و از وجود آنان در جهت ترویج و تعمیم آموزه‌های مکتب تشیع بهره جستند. سرآغاز مهاجرت فقهای عرب به ایران به دوران شاه اسماعیل اول بر می‌گردد. ظاهراً شیخ علی بن عبدالعالی معروف به محقق کرکی یا محقق ثانی اولین فقیه عرب است که در دوره صفویه وارد ایران می‌شود. شیخ زین الدین دیگر فقیه عرب است که در زمان شاه اسماعیل اول به ایران می‌آید و بر منصب شیخ الاسلامی و قضاوت هرات می‌نشیند.

در دوران سلطنت شاه طهماسب صفوی دومین فرمانروای صفوی، روند مهاجرت علما به ایران فزونی یافت ابتدا محقق کرکی برای چندمین مرتبه عازم ایران شد و سپس شاگردانش و دیگر علمای هموطنش راهی ایران گردیدند. اولین و اصلی‌ترین مأموریتی که فقهای مهاجر متقبل شدند بر پایی کلاسهای درس و تأسیس حوزه‌های علمی و تربیت طلاب ایرانی بود. حتی شاه اسماعیل اول که يك دهم توجه و عنایت شاه طهماسب را نسبت به فقهای مهاجر نداشت همان مرتبه اول که محقق کرکی وارد ایران شد به صراحت تمایل خود را مبنی بر استفاده از محقق در امر تدریس و تعلیم ابراز داشته و مقدمات اقامت محقق را در کاشان فراهم می‌سازد و برای او وظایف و اختیارات زیادی در عراق معین می‌سازد. و حتی گفته شده است هر ساله از جانب شاه اسماعیل هفتاد هزار دینار برای نفقه او در تدریس علوم فرستاده می‌شد و آنها را بین طلاب تقسیم می‌کرد.

در دوران سلطنت شاه طهماسب به خاطر مهاجرت گسترده فقهای عرب به ایران، کار تدریس و تعلیم علوم شرعی خصوصاً فقه رونق بسزایی یافت.

حوزه علمیه کاشان توسعه و گسترش پیدا کرد و اندک زمانی پس از آن حوزه علمیه اصفهان تأسیس شد و روز به روز بر فعالیت خود افزود تا آنجا که مراکز و حوزه‌های علمیه شیعه در خارج از ایران را تحت الشعاع خود قرار داد و نیز بر روند فعالیت مراکز علمی داخل ایران تأثیر نهاد.

به لحاظ فکری و علمی علمای ایرانی در دوران سلطنت شاه طهماسب صفوی را که تقریباً مقارن با زمان حیات مقدس اردبیلی است، می‌توان به سه گروه تقسیم کرد.

۱ - فقها و طلاب علوم شرعی

۲ - حکما و متعلمان علوم عقلی

۳ - عده‌ای از علماء که طریق میانه را برگزیدند و به یکسان از خرمن حکمت و فقاقت توشه برداشتند.

محصول علمی و فکری هر يك از گروههای مذکور و تأثیر آنان بر حیات فرهنگی و اجتماعی و سیاسی ایران متفاوت و نا همگون است.

مسئله حضور علماء و روحانیون در حکومت صفوی از مسائل بحث انگیز دوره اخیر بوده است. از یکسو برخی از نویسندگان معاصر با دیدی انتقادی به این حکومت نگرسته و آن را از زوایای مختلف به نقد کشانده‌اند و از سوی دیگر گروهی از دانشوران و نویسندگان، آن را يك ضرورت تاریخی یاد کرده و از آثار مبارك و دستاوردهای آن سخن گفته‌اند. علمای جبل عامل در قدرت سیاسی و فرهنگی عصر صفوی نقش بسزایی داشتند و از آن جمله می‌توان به نقش محقق کرکی در تعدیل سیاستهای شاه اسماعیل اشاره کرد. یکی از مشخصه‌های فقه کرکی، بذل توجه خاص به پاره‌ای از مسائل است که تغییرسیستم حکومتی و به قدرت رسیدن شیعه در ایران بوجود آورده بود. بیشتر فقها و مجتهدان شیعه پس از کرکی تا پایان دوره صفویه متأثر از روش فقهی او بوده‌اند. زیرا مجموعه حقوقی عمیق و متین او را با استدلال‌های قوی و محکم دربرابر خود دانسته‌اند.^۶

محقق کرکی شش سال در عراق زندگی کرد و ظاهراً هجرت ایشان از ایران به عراق به واسطه ناهمسازی با سیاست شاه اسماعیل بود. وی در سال ۹۴۰ در نجف اشرف بدرود حیات گفت که البته فوت ایشان در زمان شاه طهماسب بوده است. از مهمترین آثار مهاجرت فقها، تثبیت اندیشه ولایت فقیه بود به گونه‌ای که حاکم صفوی خود را نایب فقیه می‌شمرد.

تحلیل شهید مطهری از نقش فقهای جبل عامل

فقهای جبل عامل نقش مهمی در خط مشی ایران عهد صفوی داشتند و چنانکه می‌دانیم صفویه درویش بودند. راهی که ابتدا آنها بر اساس سنت خاص درویشی خود طی می‌کردند اگر با روش فقهی فقهای جبل عامل تعدیل نمی‌شد و اگر بوسیله آن فقهاء حوزه فقهی عمیقی در ایران پایه‌گذاری نمی‌شد به چیزی منتهی می‌شد نظیر آنچه در علویهای ترکیه و شام هست. این جهت تأثیر زیادی داشت در اینکه اولاً روش عمومی دولت ایران از آنگونه خرافات مصون باشد و ثانیاً عرفان و تصوف شیعی نیز راه معتدل تری طی کند. از این رو فقهای جبل عامل از قبیل محقق کرکی و شیخ بهایی و دیگران با تأسیس حوزه‌ها و تربیت فقها حق بزرگی به گردن مردم ایران دارند. شیخ بهایی در اصل از مردم جبل عامل لبنان است. علت واقعی مهاجرت خانواده شیخ کاملاً روشن نیست. شاید شهادت فجیع شهید ثانی استاد پدرش یا شرایط مشابهی که دانشمندان شیعه را بیشتر و کمابیش تهدید می‌کرد و همچنین طلوع ستاره اقبال سلسله صفوی در ایران با داعیه تشیعی که داشت بخشی از انگیزه‌های این هجرت باشد. اعلام مذهب امامیه اثنی عشری بعنوان مذهب رسمی امپراطوری صفوی توسط شاه اسماعیل احیاناً به قصد آن بود که راه میانه‌ای در بین افراط و تفریط بگشاید. جلوی زیاده رویهای پیروان خود را بگیرد بالاخره پایه اساسی برای مشروعیت بخشیدن به سلطه و حکومت خود و خاندان خود تدارک ببیند.

اما اگر قرار بود که تشیع مذهب رسمی این امپراطوری باشد بناگزی باید معلمانی برای ابلاغ و تبلیغ این مذهب و فقهای برای تعیین و اجرای احکام آن وجود می‌داشتند و در آن ایام چنین معلمان و فقهای بندرت در خود ایران یافت می‌شدند. البته گروههای کوچک شیعی در خراسان، عراق و جاهای دیگر بودند ولی رجال و بزرگان شهرهای بزرگی که به خدمت صفویه درآمده بودند به رغم رواج گسترده در میانشان عمدتاً شیعی مذهب نبودند.^۷

سیر توسعه تشیع در ایران کند بود و در اوائل کار شاه اسماعیل و جانشین او شاه طهماسب برای تجهیز و تقویت علمای شیعه ایران علمای شیعه را از کشورهای عربی زبان یعنی عراق - بحرین و جبل عامل به این کشور آورد. به قدرت رسیدن صفویان و رواج مذهب تشیع در ایران و کوششی که آنان برای تحکیم اساس مذهب شیعه در ایران مبذول داشتند، موجب شد که بسیاری از علمای شیعی مقیم جبل عامل و بحرین - که در آن دو مرکز عمده علمی و

اجتماعی شیعه به شمار بود- به ایران و بین النهرین مهاجرت کنند و در امر نشر و تبلیغ مبانی مذهب شیعه جد و جهد و سعی و کوشش نمایند.

مهمترین این افراد محقق بن عبد العالی کرکی بود که پیرامون سال ۹۰۹ از کرک نوح در جبل عامل به بین النهرین آمد.^۸

کرکی را مروج شیعه و مجدد دین در قرن دهم خوانده و تحکیم اساس تشیع را در ایران آغاز صفوی از او دانسته اند. ومقام تقدم بر تمامی وزراء وامراء را به وی داده که در واقع بزرگترین مقام کشور پس از مقام سلطنت بود. اولین عالم شیعه محقق کرکی است که شاه اسماعیل از او دعوت کرد و او به ایران آمد این تنها کمی شمار علمای خارجی در ایران نبود که به خدمت گرفتن کرکی و نظایر او را از نظر خاندان جدید التأسیس صفوی ارزشمند می ساخت. مسئله مهمتر این بود که به خدمت گرفتن علمای شیعه خارجی که علقه و ریشه ای در جامعه شهری ایران آن ایام نداشتند از نظر این قدرت جدید التأسیس که هنوز قوام چندانی نیافته بود بسیار مطمئن تر از توسل و تکیه بر علمای شیعی بومی ای بود که با طبقات ممتاز شهرهای ایران منافع مشترکی داشتند. حتی از این هم مهمتر آن بود که متضمن تأکید بر نقش و وظیفه علماء بعنوان نگاهبانان شریعت و جانشینان امام معصوم (علیه السلام) بود. و به علمای صالح اجازه می داد اجتهاد کنند و بنابر روشهای معتبر استنباط و استنتاج نتایج مطلوب و مورد نظر را از منابع فقهی استخراج نمایند.^۹

راهی را که کرکی گسترده بود دیگران در طول قرن دهم و نیمه اول قرن یازدهم قمری ادامه دادند. اگر چه علمای شیعه ای که از خارج چه از جبل عامل و چه از بحرین به ایران آمده بودند هیچگاه نتوانستند همه مقامات عالی را در تشکیلات مذهبی کشور قبضه کنند ولی با این حال علمای مهاجر به منصب شیخ الاسلامی در شهرهای بزرگ و عظ و تبلیغ در مساجد و تدریس در مدارس برگزیده می شدند و به هر حال می توانستند نقش مهمی در اشاعه آموزه و آیین معتدل و مسئول شیعی در میان مردم ایران ایفا کنند.

اعقاب و وابستگان کرکی تا سالها همچنان نقش و نفوذ بسیار در حیات مذهبی و سیاسی ایران داشتند. بنا بر آنچه که اشاره شد نتیجه می شود که نقش علمای مهاجر جبل عامل در دوره صفویه و تأثیر آنان را در نشر تشیع و علوم وابسته به آن در ایران نمی توان نادیده گرفت. به عقیده مورخ معاصر و شیعه شناس لبنانی سید حسن الامین: اگر علمای جبل عامل به داد پادشاهان صفویه نرسیده بودند گرایش این سلسله به مسلک علی اللہی و غلاة شیعه حتمی بود و در آن صورت سرنوشت ایران امروز از لحاظ مذهبی جز این بود که هست.^{۱۰}

به طور خلاصه علل مهاجرت علمای جبل عامل به ایران را می توان در موارد زیر خلاصه کرد.

۱- رسمیت یافتن مذهب تشیع در ایران در دوره صفوی

۲- تهاجم سنگین ترکان عثمانی به منطقه شرق دریای مدیترانه و تهدید آزادی و اعتقادات دینی ساکنین شیعه مذهب منطقه جبل عامل لبنان

۳- مکاتبه علی موبد آخرین حکمران سربرداری و شهید اول و دعوت از وی برای آمدن به ایران برای برقراری و تثبیت شیعه اثنی عشری.

۴- استفاده از علماء برای کسب مشروعیت سلطه و حکومت خویش.

۵- تحقق عینی وظیفه فقها در نگاهبانی از شریعت به عنوان دانشیاران امام معصوم (علیه السلام).

۶- علاقه حکمرانان صفوی در استفاده از علمای جبل عامل برای ترویج و گسترش مذهب امامیه اثنی عشری و تعادل بین افراط و تفریطی که در جامعه آن روز وجود داشت.

۷- در کشورهای دیگر آن زمان مانند عراق مذهب رسمی سالها تشیع بود و نیازی به گسترش آن نبوده است.

یادداشت‌ها:

- ۱- لبنان در یک نگاه - تدوین: سفارت جمهوری اسلامی ایران - بیروت - ص ۱۱.
- ۲- ساختار اجتماعی لبنان و آثار آن - مصطفی معینی آرائی - ص ۱۲.
- ۳- همان منبع - ص ۱۴.
- ۴- همان منبع - ص ۱۵.
- ۵- مروری بر تاریخ فقه و فقها - دکتر محمد جعفری هرندي - ص ۲۲۷.
- ۶- زمین در فقه اسلامی - جلد اول - حسین مدرسی طباطبائی - ص ۶۷.
- ۷- ساختار اجتماعی لبنان و آثار آن - ص ۲۰.
- ۸- زمین در فقه اسلامی - جلد دوم - ص ۷۴.
- ۹- ساختار اجتماعی لبنان و آثار آن - ص ۲۲.
- ۱۰- گزارشی از لبنان - محمد واعظ زاده خراسانی - نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد - ش ۱۴ - بهار ۱۳۵۴ - ص ۲۸

فهرست منابع

۱. جعفری هرندي، محمد، مروری بر تاریخ فقه و فقها، مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل، چاپ: چاپخانه آذر نوش
۲. سفارت جمهوری اسلامی ایران - بیروت - لبنان در یک نگاه
۳. صدر، حسن و حر عاملی، محد بن حسن و احمد حسینی، تکملة امل الامل، به تصحیح محمود مرعشی، مکتبه آیه الله المرعشی، قم، ۱۴۰۶ ق = ۱۳۶۴ ش
۴. فقیه، محمد، جبل عامل فی التاريخ، دارالاولیاء، بیروت، ۱۴۰۶ ق = ۱۳۶۵ ش
۵. محمد واعظ زاده خراسانی، گزارشی از لبنان، نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد، شماره ۱۴، بهار ۱۳۵۴
۶. مدرس، عبدالرحمن بن نصرالله، تاریخ علماء خراسان، با مقدمه محمد باقر ساعدی خراسانی، کتابفروشی دیانت مشهد، مشهد، ۱۳۴۱
۷. مدرسی طباطبائی، حسین، زمین در فقه اسلامی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۲
۸. مسجد جامع، محمد، زمینه‌های تفکر سیاسی در قلمرو تشیع، نشر المهدی، تهران، ۱۳۷۹
۹. معینی آرائی، مصطفی، ساختار اجتماعی لبنان و آثار آن، وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۲